ایران و نقش زنان در مدیریت پسماند

مینو قاسمی: آنچه در آمارها درباره زنان و نقش آنها به‌عنوان مدیریت پسماند در مقاله‌ها وجود دارد، بیشتر نگرشی درباره مدیریت پسماند به‌عنوان وظیفه اجتماعی است؛ چراکه کار در مراکز ضایعات در بیشتر مناطق کشور غیررسمی است و به قدری مردانه است که زنان اصلا در آن حساب نمی‌شوند. در بخش مدیریت شهری نیز زنان در مراکز دفع زباله مثل آرادکوه و حتی خدمات شهری نقشی ندارند و اصلا نقشی برای آنها گنجانده نشده است. از آنجایی هم که آمار کار در مشاغلی مانند جمع‌آوری ضایعات کاملا غیررسمی است، نمی‌توان مرجعی را درباره مشاغل غیررسمی زنان در مراکز پسماند پیدا کرد. البته پیداکردن آمار جهانی نیز کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. گزارش‌های نوشته‌شده دراین‌باره نیز کاملا سانتی‌مانتال است و منبع علمی ندارد؛ اما آنچه می‌توان به آن رسید، این است که جمع‌آوری زباله از طرف زنان یا کار آنها در مراکز ضایعات با تکدی‌گری و کارتن‌خوابی گره خورده و از آن جدا نیست. زنی که در زباله‌ها جست‌وجو می‌کند؛ یا کارتن‌خواب است یا معتاد. دلیل آن را نیز می‌توان در این جست‌وجو کرد که استفاده و کسب درآمد از ضایعات در ایران کاملا مردانه است و اصلا زنان در این مراکز حساب نمی‌شوند و حضور آنها به قدری محدود است که نمی‌توان آمار رسمی درباره آن به دست آورد. براساس آمار world Population Review (سازمانی که داده‌های آماری جمعیتی به‌روز را درباره همه کشورها ارائه می‌دهد) در سال ۲۰۲۱ ایران رتبه ۱۷ در تولید زباله را داشت؛ همچنین به نقل از اطلس کلان‌شهر تهران هر فرد به طور متوسط سالانه شش برابر وزن خود زباله تولید می‌کند. متوسط سرانه زباله تولیدشده در تهران ۳۲۰ کیلوگرم است. از سوی دیگر درحالی‌که سرانه تولید زباله در جهان حدود ۱۱۰ کیلوگرم در سال و سرانه روزانه در مقیاس جهانی ۲۵۰ تا ۳۰۰ گرم است، این رقم در ایران ۶۰۰ گرم و در شمال شهر تهران هزارو ۲۰۰ گرم است. به گفته حبیب راضی، مدیرکل دفتر محیط زیست و خدمات شهری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، روزانه ۴۵ هزار تُن زباله در مناطق شهری و ۱۰ هزار تن در مناطق روستایی تولید می‌شود و متوسط سرانه تولید زباله هر نفر در شهر ۷۶۰ گرم و در روستاها ۴۸۵ گرم است. ۶۵ درصد از پسماندهای تولیدی «تر» و ۳۵ درصد آن «خشک» است و ۲۵ درصد از پسماندهای تولیدی پردازش و ۷۵ درصد باقی‌مانده بدون فرایند پردازش به طور مستقیم دفن و ۱۰ درصد در مبدأ تفکیک می‌شوند. گفته می‌شود که ۵۰۰ غرفه تحویل زباله در تهران همگی فعال هستند و دراین‌میان به طور متوسط در هر غرفه بازیافت شهر تهران روزانه بین صد تا ۲۰۰ کیلوگرم پسماند تحویل داده می‌شود که در قیاس با عدد کل تولید زباله در کلان‌شهر تهران یعنی هفت‌هزارو ۵۰۰ تن عدد درخورتوجهی نیست. بنا بر اعلام روزنامه جهان صنعت در خرداد ۱۳۹۹ زنان کارگر سرپرست خانوار برای تأمین معاش خود روزانه هشت ساعت در میان زباله‌ها کار می‌کنند. آنها ماهی دو میلیون تومان حقوق می‌گیرند؛ درحالی‌که «خط فقر در ایران به ۹ میلیون تومان رسیده است». حدود ۱۲۰ کارگر در یک سایت تفکیک زباله به نام صفیره در اهواز کار می‌کنند. بخش اعظم کارگران این سایت را زنان کارگر سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند و بیماری‌های بسیاری آنها را تهدید می‌کند. سایت صفیره یک سایت تفکیک زباله است. زنان شاغل در این سایت همگی بی‌سرپرست یا بدسرپرست هستند و زندگی‌های سختی دارند. هر سال یک پیمانکار از طریق مزایده برای تفکیک زباله در این سایت انتخاب می‌شود. در واقع شرکت برنده مسئول پرداخت حقوق کارگران است. شرکت‌های پیمانکار برنده در اکثر ماه‌های سال به دلیل بروز مشکلات مالی حقوق کارگران را واریز نمی‌کنند. در واقع دود اختلاف پیمانکار با مدیریت پسماند به چشم کارگران می‌رود. آنها نه‌تنها تحت پوشش بیمه نبودند و بیش از شش ماه حقوق نگرفتند؛ بلکه این مرکز دفع زباله در بحبوحه شیوع کرونا تعطیل شد. یک گزارش مرکز آمار ایران که سال ۱۳۹۹ منتشر شد، نشان می‌داد ۶۳ درصد از جمعیت سه‌میلیون‌و ۵۶۷ هزار نفری زنان شاغل در مشاغل «غیررسمی» اشتغال دارند. مشاغل غیررسمی به آن دسته از مشاغلی گفته می‌شود که کارگران آن فاقد قرارداد کار و بیمه هستند و دستمزدی کمتر از حداقل دستمزد مصوب دریافت می‌کنند. به اذعان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال گذشته هفت میلیون نفر در مشاغل رسمی مشغول به کار بودند. گزارش نهادهای رسمی در ایران نشان می‌دهد که مشاغل غیررسمی بیشترین آسیب‌پذیری از کرونا را داشته‌اند. مرکز آمار ایران در پاییز ۱۳۹۹ اعلام کرد که در مقایسه با پاییز یک سال قبل‌تر ۷۷۷ هزار نفر از جمعیت زنان شاغل کاسته شده است. این گروه از شاغلان بیشتر در مشاغل بخش خدمات ازجمله رستوران و کافه‌ها، فروشگاه‌های پوشاک یا به‌عنوان منشی در دفاتر پزشکان و وکلا مشغول به کار بودند و تنها ۰,۹درصد آنها در مراکز بازیافت زباله کار می‌کردند. به موجب گزارش مرکز برنامه‌ریزی راهبردی وزارت کار، در سال ۱۳۹۸ سهم جمعیت شاغل کشور از اشتغال رسمی ۴۰.۷ درصد و از اشتغال غیررسمی ۵۹.۲ درصد بوده است. این آمار به تفکیک جنسیت حکایت از آن دارد که ۴۱.۶ درصد شاغلان بخش رسمی را مردان و ۳۶.۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند؛ اما در بخش غیررسمی، زنان با ۶۳.۴ درصد بیشترین درصد شاغلان غیررسمی هستند. این مطالعه که مربوط به سال ۹۹ است و هنوز تحولات اقتصادی به معنای دیگر جراحی اقتصادی در ایران شکل نگرفته بود! بنابراین رقم‌های ذکرشده را با درصدی بسیار بیشتر باید مورد توجه قرار داد و ظاهرا زنان بیشترین سهم را در این بازار غیررسمی اشتغال دارند؛ پس بیشترین عدم برخورداری از تسهیلات شغلی نظیر بیمه و... برای آنها دیده می‌شود و این یعنی فقر بیشتر و سلامت در خطر برای زنان!

سیاست و برنامه‌ریزی از منظر جنسیت، مدیریت پسماند و توسعه

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی از منظر جنسیت، مدیریت پسماند و برنامه‌ریزی توسعه برای مدیریت مؤثر و قابل قبول پسماند جامد بسیار مهم است؛ اما حمایت از فقرا و ترویج برابری جنسیتی همواره از اهداف اصلی سیاست مدیریت زباله نیست. در عوض، سیاست مدیریت پسماند جامد و برنامه‌ریزی با مفاهیم نوسازی هدایت می‌شود که بر ابعاد تکنولوژیکی سیستم‌ها به استثنای جنبه‌های اجتماعی تمرکز دارد. برای مثال در آفریقای جنوبی، برنامه‌ریزی برای این بخش عمدتا بر روی مسائل فنی دفع زباله با توجه کم یا بدون توجه به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی خانوارها متمرکز بود. با این حال موضوع طعنه‌آمیز این است که برنامه‌ریزی معمولا به منظور ارتقای بهبود چارچوب‌ها و سیستم‌های مدیریتی موجود در مراکز شهری کشورهای در حال توسعه است. اینها همان مراکزی هستند که تعداد زیادی از فقرای کشورشان را در خود جای داده‌اند که سلامت محیط زیست و پایداری محیط زیست برای آنها مسائلی حیاتی است.

اهمیت مشارکت در مالکیت

مشارکت همه ذی‌نفعان در مدیریت پسماند برای موفقیت آن مهم است؛ اما مسئولیت‌ها، قدرت و منافع افراد درگیر همه یکسان نیست. سؤال جنسیتی این است که آیا شرکت‌های تحت رهبری زنان در موقعیتی مشابه شرکت‌هایی هستند که مردان با سه نوع مشتری سروکار دارند: بخش خصوصی، خانواده‌ها و افسران دولتی. همان‌طور که در دارالسلام تانزانیا مشاهده شد، در سال ۱۹۹۸ اولین قراردادها برای نظافت خیابان با چندین شرکت به سرپرستی زنان و یکی از سوی یک مرد منعقد شد (مولر و شاینبرگ ۲۰۰۳). در مقابل، وضعیت بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی است. اگرچه زنان به طور سنتی مسئول زباله‌های خانگی و جاروکردن خیابان‌ها هستند و به تمیز و مرتب نگه‌داشتن محیط می‌بالند، به محض اینکه هریک از این وظایف تبدیل به شغل پولی شد، مردان امنیت شغل‌ها را تضمین می‌کنند و در نهایت بر ساختارها و سیستم‌های تصمیم‌گیری تسلط پیدا می‌کنند. تاجران زن در بیشتر موقعیت‌ها بدون‌شک با موانعی روبه‌رو هستند؛ همان‌طور که در نمونه‌ای از غنا نشان داده شد که در آن زنان سنت طولانی تجارت در مقیاس کوچک و بزرگ، ازجمله فروش بطری برای استفاده مجدد داشتند. باوجوداین گسترش فعالیت‌های آنها به دلیل عواملی مانند فقدان حمایت مالی و بازارهای مناسب محدود شد. علاوه‌براین زنان نیز به دلیل سطوح پایین تحصیلات، در صورت وجود، فاقد مهارت‌های مدیریتی لازم بودند. آنها دسترسی محدودی به فناوری داشتند؛ زیرا فقط در بازیابی و فروش تجربه داشتند. تاجران زن در بیشتر موقعیت‌ها بدون‌شک با موانعی روبه‌رو هستند؛ همان‌طور که در نمونه‌ای از غنا نشان داده شد که در آن زنان سنت طولانی تجارت در مقیاس کوچک و بزرگ، ازجمله فروش بطری برای استفاده مجدد داشتند. باوجوداین گسترش فعالیت‌های آنها به دلیل عواملی مانند فقدان حمایت مالی و بازارهای مناسب محدود شد. علاوه‌براین زنان نیز به دلیل سطوح پایین تحصیلات، در صورت وجود، فاقد مهارت‌های مدیریتی لازم بودند. آنها دسترسی محدودی به فناوری داشتند؛ زیرا فقط در بازیابی و فروش تجربه داشتند. با وجود چالش‌ها، زمانی که جمع‌آوران زباله خود را در تعاونی‌ها سازمان‌دهی می‌کنند، شناخته شده‌اند که درآمد، شرایط کار و زندگی خود را بهبود می‌بخشند. درعین‌حال، آنها به حل مشکلات جمع‌آوری ناکافی و دفع نامناسب زباله‌های جامد در کشورهای در حال توسعه کمک کرده‌اند. علاوه‌براین، تجربه و مهارت‌های به‌دست‌آمده از طرف زنان در مدیریت پسماند، حتی در کار غیررسمی، به طور بالقوه می‌تواند فرصت‌هایی را باز کند. به‌عنوان مثال در شهر بلو هوریزونته در برزیل، جمع‌آوران زباله انجمنی را تشکیل دادند که از طریق یک سازمان غیردولتی مذهبی حمایت می‌شد (Dias، به نقل از Muller and Scheinberg ۲۰۰۳) و زمانی که اداره پاک‌سازی شهر چندین سال بعد یک سیستم مدیریت انتخابی و تصفیه زباله‌های جامد را آغاز کرد، آنها انجمن جمع‌آوری زباله را شریک آشکار و مفیدی یافتند.

نگاهی به زباله‌گردی زنان و جایگاه آنها در گردش اقتصادی طلای کثیف

زنان زباله‌گرد محروم از منافع اقتصادی بازار زباله

گردآوری و ترجمه: شهرزاد همتی: مدیریت پسماند و بهداشت دو مورد از خدمات اساسی هستند که بخشی از بحث جهانی درباره توسعه پایدار انسانی را به خود اختصاص داده‌اند. دلیل این امر این است که با وجود چندین دهه توسعه، بخش بزرگی از جمعیت روستایی و شهری کشورهای با درآمد کم و متوسط فاقد تدارک کافی برای آن خدمات اساسی هستند. ابتدا بیایید در نظر بگیریم که منظور از پسماند و مدیریت زباله چیست. مسلما هر محصولی به زباله تبدیل می‌شود. زباله به طور کلی به مواد دور ریخته‌شده و ناخواسته با ارزش صفر اشاره دارد. در کشورهای در حال توسعه، تولید مقادیر زیاد و انواع مختلف زباله، پیامد اصلی توسعه و نوسازی است. انواع مختلفی از زباله با شکل‌های فزاینده و جدید مصرف‌گرایی، به‌ویژه مصرف‌گرایی ثروتمندان تولید می‌شود؛ بنابراین ترکیب جریان زباله با افزایش نوسازی و غربی‌سازی تغییر می‌کند؛ زیرا تغییرات درخورتوجهی در محصولات مصرفی و بسته‌بندی رخ می‌دهد. برخی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای مدیریت زباله در فقیرترین کشورها به‌شدت احساس می‌شود. این بخشی از پارادوکس توسعه است؛ عواملی که ناسازگارترین مشکلاتی را که درحال‌حاضر کشورهای در حال توسعه با آن روبه‌رو هستند، ایجاد می‌کنند، همواره آنهایی هستند که از خود توسعه ناشی می‌شوند. این مسئله مبتنی بر شکاف فزاینده بین الگوهای رشد و نوسازی در کشورهای در حال توسعه، از یک سو و ظرفیت پرداخت، برنامه‌ریزی و مدیریت مؤثر زباله‌های جامد به‌عنوان بخشی از یک سیستم یکپارچه ملی یا شهری است. از سوی دیگر ارتباط بین مدیریت پسماند، فقر و جنسیت در مناطق شهری و به‌ویژه در شهرهای بزرگ شدیدتر است. این به آن معناست که رابطه یا ارتباط بین جنسیت و مدیریت پسماند به شرایط و سطوح فقر بستگی دارد.

جنسیت، مدیریت پسماند و فقر

مدیریت زباله شامل همه مداخلات در تولید، جمع‌آوری، دفع، تصفیه و استفاده مجدد یا بازیافت مواد دور ریخته‌شده است. حذف و مدیریت زباله، همه در بسیاری از فرهنگ‌ها به شرایط اجتماعی-اقتصادی، وضعیت خاص و همچنین جنسیت اختصاص دارند. جنسیت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی از طرق مختلف با مدیریت کلی زباله مرتبط است. فقیرترین و محروم‌ترین افراد در میان فقرا، ازجمله زنان، گروه‌هایی هستند که مدیریت پسماندهای خانگی و اجتماعی به آنها واگذار شده است؛ ازجمله مدیریت زباله‌های انسانی و حیوانی، جاروکردن خیابان‌ها و نگهداری از فضاهای عمومی، تفکیک زباله در مبدأ و آماده‌کردن آن برای استفاده مجدد. جمع‌آوری، حمل‌ونقل و دفع زباله‌های جامد از خانوارها و مشاغل، بخش دیگری از مسئولیت زنان در کشورهای مختلف است. فعالیت‌های مدیریت پسماند مبتنی بر خدمات فعالیت‌های مدیریت پسماند که با پرداخت هزینه یک خدمت مرتبط هستند، معمولا براساس حذف زباله، لجن توالت یا فضولات هستند. چنین خدماتی نه‌تنها دستمزد بسیار کمی دریافت می‌کنند؛ بلکه خطرات بهداشتی و ایمنی را نیز برای افرادی که درگیر آن هستند، به همراه دارد که جبران نمی‌شود.

انتظار می‌رود جمع‌آوری و دفع زباله در مناطق شهری از طرف مقامات شهرداری یا شرکت‌های خصوصی براساس قرارداد با مقامات انجام شود. در سیستم رسمی، به دلیل نیاز به بلندکردن بارهای سنگین، مردان عمدتا از طرف مقامات مدیریت پسماند برای رانندگی کامیون‌ها و جمع‌آوری زباله‌ها در حاشیه خیابان استخدام می‌شوند. در کشورهای در حال توسعه، سرازیرکردن ظروف زباله از سطح خیابان به کامیون‌ها عموما مکانیزه نیست و نیاز به بلندکردن وسایل سنگین دارد که ممکن است مردان برای آن مناسب‌تر باشند. با این حال، رانندگی کامیون‌ها به طور بالقوه می‌تواند از طریق زنان یا مردان انجام شود و اگرچه این شغل هنوز به مردان اختصاص دارد، در برخی کشورها تعداد کمی از زنان نیز در این سمت استخدام شده‌اند.

به طور کلی زنان برای کارهایی که دستمزد کمتری دارند؛ یعنی جاروکردن خیابان‌ها و حاشیه‌های جاده‌های اصلی شهری به کار گرفته می‌شوند. و زنان در انجام این وظایف ماهرتر و کارآمدتر به نظر می‌رسند. در حیدرآباد هند، گزارش شده است که مردان در بخش بازیافت تقریبا دو برابر زنان درآمد داشتند. براساس این استدلال که مردان کارهای سخت انجام می‌دادند؛ یعنی حمل زباله؛ درحالی‌که زنان در دسته‌بندی زباله به کار گرفته می‌شوند.

باوجوداین تعصب جنسیتی در بخش مدیریت پسماند رسمی، یافته‌های پژوهشی در شهر پورت او پرنس، پایتخت هائیتی، نشان داد که در مشاغلی مانند نظارت و توزین زباله‌های جامد در انبارها، عملکرد زنان در مقایسه با کارمندان مرد مطلوب است. ثانیا برخلاف کارگران مرد، زنان در رسیدن به محل کار دقیق‌تر و در کارکردن با تعداد ساعات توافق‌شده قابل اعتمادتر بودند. این یک مورد مجزا نبود.

یک مثال را می‌توان از اواگادوگو، پایتخت بورکینافاسو، نیز ذکر کرد؛ جایی که رهبران جامعه اصرار داشتند که مردان برای کار جمع‌آوری زباله استخدام شوند.

زنان مجبور بودند «در خانه بمانند و از کودکان مراقبت کنند». با این حال، مردان ثابت کردند که کارگران نه‌چندان مسئولیت‌پذیری هستند که به محض اینکه کار دیگری داشتند، کار را ترک کردند. سپس زنان به‌عنوان نیروی آزمایشی استخدام شدند. زنان کار حذف زباله را با رضایت همگان انجام دادند و انگیزه آنها برای استفاده کامل از این فرصت نادر به دست آوردن پول معمولی بود.

زنان و اقتصاد غیررسمی در مدیریت پسماند

فعالیت اقتصادی مبتنی بر کالا شامل دادوستد اقلام یا مواد با قیمت است.

درباره مواد ضایعاتی، ارزش کالا از ارزش اصلی اضافه‌شده بر روی اقلام در حال دفع به دست می‌آید و فعالیت بازیافت یا بازیافت براساس جذب این ارزش باقی‌مانده یا حفظ‌شده است.

جمع‌آوری غیررسمی زباله از بخش‌های رسمی شهری بخشی مشترک از منابع اقتصاد غیررسمی است.

زباله‌هایی که جمع‌آوری می‌شوند، در هر دو اقتصاد رسمی و غیررسمی مورد استفاده مجدد یا بازیافت قرار می‌گیرند. رقابت شدیدی در میان فقرای شهری برای جمع‌آوری زباله‌های باارزش‌تر وجود دارد و به طور کلی، زنان در دستیابی به مواد باارزش‌تر اقتصادی بسیار دچار مشکل هستند. زنان نه‌تنها در موقعیت‌های به‌ظاهر آشفته که کامیون‌ها در حال بارگیری هستند و تراکتورها مواد سطحی را در همان مکان فشرده می‌کنند، خطرات بیشتری را برای بازیابی مواد متحمل می‌شوند؛ بلکه دسترسی به اقلام با قیمت بالاتر نیز به‌شدت از طرف مردان کنترل می‌شود. شواهدی از بسیاری از کشورها مبنی بر تقسیم‌بندی جنسیتی متمایز و پذیرفته‌شده در «حقوق» برخی منابع وجود دارد. برای این منظور، تفاوت‌های جنسیتی درباره زنان یا مردان در مراحل مختلف جریان زباله وجود دارد. در جاهایی که ایستگاه‌های انتقال زباله وجود دارد، مردان تمایل دارند در آنجا جمع شوند؛ زیرا می‌توانند در تسویه اول به بارها دسترسی پیدا کنند. و زنان در محل دفن زباله متمرکز شده‌اند که پایان زنجیره فرصت جمع‌آوری زباله است.

بسیاری از جمع‌کننده‌های زباله در هر مکان دفع شهری، زنان بالغ و کودکان ۹ساله بودند. در جایی که ایستگاه‌های انتقال کم وجود دارد یا اصلا وجود ندارد، تعداد زنان در محل تخلیه معمولا از مردان بیشتر است. به‌عنوان مثال درباره کینگستون، جامائیکا، نسبت مردان به زنان در محل دفع پنج به یک است. این تسلط عددی مردان با سطح کنترل مردی که رخ داده بود، مطابقت داشت. سایت دفع به‌عنوان یک قلمرو مردانه در نظر گرفته می‌شد و زنان فقط در آنجا تحمل می‌شدند. دعواها و زدوخوردها اغلب در محل دفع اتفاق می‌افتاد و گاهی اوقات زنان نیز درگیر آن می‌شدند. مرد اصلی یا رئیس و سردسته که کنترل جمع‌آوری مواد خاص را برعهده داشت، باندهایی متشکل از دو یا سه مرد دیگر - «سربازان» خود - را برای جمع‌آوری فلز و شیشه می‌فرستاد؛ بنابراین از دسترسی دیگران به چنین اقلامی جلوگیری می‌کرد.

این مسئله یک پدیده عمومی در سیستم‌های غیررسمی مدیریت پسماند شهری کشورهای فقیر است که تمایز آشکار در دسترسی به اقلام با ارزش بالاتر در اختیار مردان است؛ مردانی که فلزات را جمع‌آوری می‌کنند و زنان نیز اقلام غذایی و لباس و دیگر موارد ارزان‌تر را جمع‌آوری می‌کنند. اقلام باارزش مانند ظروف پلاستیکی اقلام از طریق جمع‌کننده‌ها بازیافت می‌شوند یا درباره فلزات به دیگر عوامل در زنجیره بازیافت فلز فروخته می‌شوند. در پورت او پرنس، هائیتی، ۹۴.۷ درصد از رفتگران مرد در مطالعه‌ای که از طریق Noel (۲۰۱۳) انجام شد، اقلام فلزی را جمع‌آوری کردند؛ درحالی‌که تنها ۵.۶ درصد از زنان توانسته بودند به این ذخایر دسترسی پیدا کنند. حدود ۹۲ درصد از مردان بطری‌ها را جمع‌آوری کردند و ۱۱ درصد از زنان این کار را انجام دادند. در مقابل، ۶۶.۷ درصد از زنان مواد غذایی جمع‌آوری کردند و ۱۳.۲ درصد از مردان. ۳۳.۳ درصد از زنان در مقایسه با ۷.۹ درصد از مردان لباس جمع‌آوری کردند. ۱۳.۲ درصد از مردان و ۲۲.۲ درصد از زنان چوب جمع‌آوری می‌کردند. ۵.۳ درصد از مردان تایرهای کهنه را جمع‌آوری کردند و هیچ‌یک از زنان سهمی نداشتند. در فرهنگ‌هایی که مردان تجارت می‌کنند، ممکن است انتظار داشته باشیم که تاجران مواد قابل بازیافت مرد باشند.

در شرق و غرب آفریقا، جایی که زنان تجارت زباله می‌کنند، ممکن است انتظار داشته باشید که صاحبان مغازه‌های آشغال‌فروشی زنان باشند. قیمت کالاها معمولا به صورت محلی تعیین نمی‌شود؛ بلکه از طریق بازار جهانی، به‌ویژه قیمت کاغذ و فلزات تعیین می‌شود. سپس قیمت‌های محلی منعکس‌کننده هزینه‌های جهانی است که برای جمع‌آوری، جابه‌جایی، ذخیره‌سازی و حمل‌ونقل مواد به نزدیک‌ترین یا سودمندترین خریدار امکان‌پذیر است. به دلیل این ارتباط با تجارت جهانی کالا، حتی شرکت‌های کوچک و بومی مبتنی بر کالا در معرض ریسک بالایی قرار دارند.

امکان دستیابی به درآمدهای بالا در سطح صاحبان فروشگاه‌های آشغال و کارگاه‌های بازیافت وجود دارد؛ اما خطر از دست دادن نیز زیاد است. این اغلب منجر به وضعیتی می‌شود که در آن جمع‌آوران زباله یا خریداران دوره‌گرد، نیروی کار احتمالی، بدون اشتغال ثابت باشند و علاوه‌براین با نرخ کم و نامطمئن به دنبال بازدهی کار خود هستند.

با وجود نابرابری‌های جنسیتی، افرادی که زباله‌ها را از جریان زباله جمع‌آوری می‌کردند، چه زن و چه مرد، توانستند از نظر اقتصادی به دلیل این کار زنده بمانند. مطالعات نشان داده است که برخی از زنان، مواد جمع‌آوری‌شده از محل‌های دفع را بازیافت کرده و توانسته‌اند این مواد را بفروشند. به‌عنوان مثال منسوجات و لباس‌ها شسته و آرایش می‌شدند یا درباره لباس‌های قابل استفاده مجدد، همان‌طور که وجود داشتند یا تغییر شکل می‌دادند، فروخته می‌شدند. یک مطالعه در سایت دفع ریورتون در کینگستون، جامائیکا، نشان داد که ۶۳ درصد از زنان تنها درآمد خود را به دسته‌بندی و بازیافت موادی که از زباله‌ها به دست می‌آیند متکی بودند. ۱۰ درصد منابع درآمد مستقلی داشتند (به احتمال زیاد از طرف شرکا یا پدران فرزندان‌شان حمایت می‌شدند)، و ۲۳ درصد ابزارهای درآمدزایی دیگری داشتند؛ ازجمله مغازه‌ها یا غرفه‌های کوچک، دست‌فروشی‌های دوره‌گرد، یا پرورش دام (همچنین در محل نگهداری). وجوه به‌دست‌آمده در نتیجه فعالیت‌های جمع‌آوری و بازیافت زباله به‌عنوان سرمایه اولیه برای بسیاری از فعالیت‌های کارآفرینی که آنها علاوه بر آن درگیر بودند، عمل کرد.

زنانی که از ضایعات برای ایجاد سرمایه برای سایر فعالیت‌های کارآفرینی استفاده می‌کردند، در نهایت در موقعیتی قرار گرفتند که از رفتن به زباله‌دان‌ها بکاهند و حتی آن را متوقف کردند. بنابراین جمع‌آوری زباله یک فرصت اقتصادی واقعی برای فقرای شهری، به‌ویژه کسانی که در نزدیکی محل‌های دفع زندگی می‌کنند، ارائه می‌دهد. یکی از دلایل این امر چرخه معیوب فقر در خانواده‌های بسیار فقیر است. مشخص است که در بیشتر شهرها حداقل ۳۰ درصد از کل خانوارها را زنانی تشکیل می‌دهند که تنها درآمد دارند و اکثر خانواده‌های بسیار فقیر را زنان سرپرستی می‌کنند که تعداد کمی از آنها دارای مهارت‌های رقابتی در بازار کار هستند. در چنین خانواده‌هایی، درآمدی که فرزندان می‌توانند به دست آورند نیز کاملا ضروری است؛ بنابراین اگر مادران در دفن زباله کار می‌کنند، دختران خود را در جمع‌آوری زباله آموزش می‌دهند که به زندگی کاری خود در این فعالیت ادامه خواهند داد. در بسیاری از موقعیت‌ها مشخص شده است که میانگین درآمد یک زن جمع‌کننده زباله به طور قابل توجهی بیشتر از حداقل دستمزد قانونی ملی است.

زباله؛ راهی برای ادامه زندگی

جنبه‌های ارزش افزوده بخش مدیریت غیررسمی پسماند محل‌های دفن زباله و مکان‌های دفن زباله شهری بیش از منابع مستقیم بقای اقتصادی هستند، بلکه منبع اقلامی هستند که به رفاه اجتماعی افرادی که در فعالیت‌های دسته‌بندی و چیدن مشغول هستند کمک می‌کنند. این به بسیاری از زنان اجازه می‌دهد تا برخی از امکانات استقلال اقتصادی را ایجاد کنند. در بسیاری از شهرها، جمع‌کننده‌های زباله در سکونتگاه‌های غیررسمی مجاور ساکن هستند و خانه‌های آنها از مواد بازیافتی از محل دفع، ازجمله تخته سه‌لا، فلز راه‌راه و ورق‌های پلاستیکی ساخته شده است. مشخص شد که حدود ۸۷ درصد از خانه‌ها در کینگستون ریورتون میدوز، در مجاورت محل دفع، به طور جزئی یا کامل از مواد بازیابی‌شده از زباله ساخته شده‌اند. علاوه‌براین تجهیزات خانگی و ظروف آشپزخانه جمع‌آوری‌شده از زباله، تمام اقلامی را که بسیاری از خانواده‌ها در اختیار داشتند، در اختیار آنها قرار می‌داد. برخی از زنان جمع‌کننده ضایعات نیز برای اقلام لباس برای استفاده شخصی کاملا به زباله‌ها متکی بودند. در همین شهرک، حدود ۴۲ درصد از مجموع ۲۰ واحد تجاری کوچک و متوسط (فروشگاه‌ها و...) براساس سرمایه‌های راه‌اندازی به‌دست‌آمده از برداشت در محل نگهداری، متعلق به زنان اداره می‌شد.

دامپروری همچنین بستر اقتصادی بسیاری از خانوارها را فراهم کرد. تقریبا ۱۲ هزار خوک در جامعه وجود داشت و زنان حدود ۴۸ درصد از عملیات بازیافت پسماند خوک را در اختیار داشتند. این یک منبع درآمد پرسود به دلیل تقاضا برای گوشت خوک و این واقعیت است که هزینه‌های سربار ناچیزی در راه‌اندازی خوک‌ها و حفظ موجودی وجود دارد. تمام غذا برای خوک‌ها از محل دفع به دست آمد.

مطالعه سایت دفع زباله ریورتون و سکونتگاه مجاور نشان داد که از زنان مورد مصاحبه، تنها ۱۷ درصد در نیروی کار رسمی کار کرده‌اند و بیش از نیمی از نمونه‌ها سرپرست خانوار خود بوده‌اند. آسیب‌پذیری اقتصادی این زنان و بسیاری از زنان دیگر در شرایط مشابه، منجر به وابستگی آنها به شریک مرد و افزایش قرارگرفتن در معرض خطر خشونت خانگی شد. بیشتر آنها قربانی آزار جسمی، جنسی یا روانی شده بودند. بدون شک کار غیررسمی در مدیریت پسماند وسیله‌ای را فراهم می‌کند که به موجب آن بسیاری از مردان و زنان فقیر می‌توانند زنده بمانند.

سطوح فقر به‌ویژه برای زنان مهم است زیرا گزینه‌های کاری کمتری برای آنها نسبت به مردان به دلیل مسئولیت‌های فرزندآوری و تربیتی وجود دارد.

علاوه بر این، فقر آنها از طریق کسب درآمد و توانایی کسب‌وکار در پسماند کاهش یافت.

جمع‌آوری پوشاک و سایر اقلام مورد نیاز از محل زباله، کیفیت عمومی زندگی آنها را افزایش داده و با این کار آسیب‌پذیری آنها از نظر تسلط و خشونت شریک مرد و سایر مردان کاهش یافته است. بنابراین، کار بر روی سایت‌های دفع، نقش مهمی در بهبود نقش و روابط زنان در خانواده و جامعه محلی آنها داشت.

همچنین به توانایی زنان در تهیه پوشاک و پرداخت هزینه‌های متفرقه‌ای که برای فرستادن فرزندان‌شان به مدرسه متحمل می‌شود کمک می‌کند.

جنبه‌های ارزش افزوده بخش مدیریت غیررسمی پسماند محل‌های دفن زباله و مکان‌های دفن زباله شهری بیش از منابع مستقیم بقای اقتصادی هستند؛ بلکه منبع اقلامی هستند که به رفاه اجتماعی افرادی که در فعالیت‌های دسته‌بندی و چیدن مشغول هستند کمک می‌کنند. این مسئله به بسیاری از زنان اجازه می‌دهد تا برخی از امکانات استقلال اقتصادی را ایجاد کنند. بنابراین، کار بر روی سایت‌های دفع نقش مهمی در بهبود نقش و روابط زنان در خانواده و جامعه محلی آنها داشت. همچنین به توانایی زنان در تهیه پوشاک و پرداخت هزینه‌های متفرقه‌ای که برای فرستادن فرزندان‌شان به مدرسه متحمل می‌شوند کمک می‌کند.

زنان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جمعیتی در سراسر جهان هستند و در بسیاری از موارد به دلیل تعصبات مردانه، در معرض طراحی‌های نامناسب سیستم خدماتی، از جمله سیستم‌های جمع‌آوری زباله جامد قرار می‌گیرند. فقر و شرایط نامناسب کار و زندگی زنان کارگر پسماند جامد اغلب به دلیل استثمار آنها توسط مردان مبنایی است که توجه را به اهمیت مالکیت و مدیریت عملیات زباله جلب می‌کند.

جنسیت و مدیریت ضایعات

شرق: مفهوم زباله یک مفهوم خنثی و عینی نیست، بلکه توسط عواملی مانند سبک زندگی، ساختار اجتماعی، جنسیت، طبقه و قومیت تعیین می‌شود. این عوامل همچنین بر سازماندهی اجتماعی کار مرتبط با زباله و چشم‌انداز سیاسی در مدیریت آن تأثیر می‌گذارد. مطالعات متعددی تأثیر مسائل جنسیتی را بر ادراک، مدیریت و مدیریت پسماند در هر دو بخش رسمی و غیررسمی و خصوصی برجسته کرده‌اند. بخش‌های عمومی به رسمیت شناختن این موضوع و اصلی‌سازی جنسیت با حصول اطمینان از اینکه سیاست‌ها، برنامه‌ها و سیستم‌های مدیریت پسماند پیامدها و تأثیرات آنها را برای زنان و دختران در نظر می‌گیرند، طراحی سیستم‌های مدیریت پسماند مؤثرتر، کارآمدتر و فراگیرتر را تسهیل می‌کند و در عین حال دسترسی عادلانه‌تری به معیشت و ارتقای سطح زندگی زنان را فراهم می‌کند. در بسیاری از جوامع، زنان مسئول مدیریت پسماندهای درون خانوار خود هستند و در سطح جهانی کاربران اصلی خدمات مدیریت پسماند هستند. تفاوت‌های جنسیتی ممکن است در نگرش به سلامت عمومی و پاکیزگی جامعه نیز منعکس شود. از آنجایی که زنان و کودکان معمولا مسئول رسیدگی به زباله‌های خانگی هستند، در غیاب یک سرویس جمع‌آوری منظم و قابل اعتماد، این آنها هستند که باید ترتیبات جایگزین را انجام دهند. آنها ممکن است تعامل مستقیمی با دفن زباله‌های کنترل‌نشده محلی داشته باشند یا اقدامات دفع خطرناکی مانند سوزاندن زباله درباز را انجام دهند. خطرات بهداشتی مرتبط، زنان را نسبت به نیاز به شیوه‌ها و خدمات مدیریتی مناسب بیشتر آگاه می‌کند و این بر تمایل آنها برای پرداخت هزینه برای چنین خدماتی تأثیر می‌گذارد. این تمایل با افزایش دسترسی، کیفیت و کارایی خدمات مجموعه اولیه قوی‌تر می‌شود. مشارکت مستقیم آنها با مدیریت زباله، قرارگرفتن در معرض خطرات سلامتی و تمایل به پرداخت هزینه برای حذف زباله از جامعه آنها همچنین ممکن است بر ترجیحات آنها در بین سیاست‌ها، فناوری‌ها یا رویکردهای کلی تأثیر بگذارد. در بسیاری از جوامع، در غیاب زباله‌های کافی خدمات مدیریت زنان در فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی مانند تمیزکردن، جاروکردن خیابان‌ها و جمع‌آوری اولیه زباله‌ها شرکت می‌کنند. با این حال، زمانی که این خدمات نظافتی یا خدمات جمع‌آوری زباله با شرکت‌های خصوصی قرارداد یا نهادینه می‌شوند، اغلب این مردان هستند که مشاغل را به دست می‌آورند. این تصور عمومی در بسیاری از مکان‌ها وجود دارد که کار رسمی (و در نتیجه پولی) در SWM یک شغل مردانه است.

منظور از مسائل جنسیتی چیست؟

ویژگی‌های فیزیکی مردها و زن‌ها براساس جنسیت بیولوژیک‌شان متفاوت است. جنسیت فقط به بیولوژی فیزیکی‌شان اشاره ندارد بلکه به مسئولیت‌های اجتماعی متفاوت زنان و مردان و روابط اجتماعی بین آنها اشاره می‌کند. تقسیم جنسیتی کار به وظایف متفاوتی اشاره می‌کندکه زنان و مردان به طور عرفی انجام می‌دهند. برای مثال در بسیاری از جوامع کار خانگی بدون مزد ارزش بالایی به اندازه کار با مزد بیرون خانه ندارد.

مسائل جنسیتی ارتباطی با «مدیریت پسماند خشک» دارد؟

مسئولیت‌های جنسیتی مرتبط با مدیریت پسماند خشک را می‌توان به این موارد تعمیم داد.

بازتولید

نقش زنان به روش‌های زیر در بازتولید بسیار بیشتر از مردان است:

- به‌خاطر انجام کارهای خانه، مثل دفع پسماندها.

- آنها به‌عنوان عضوی از خانواده که خریدهای خانه را انجام می‌دهند، نقش مصرف‌کننده را بازی می‌کنند و از این‌رو در نوع پسماند تولیدشده نقش دارند.

- زنان به‌عنوان مربی نقش مهمی در اجتماعی‌کردن کودکان دارند و عادات و ارزش‌ها را در آنها شکل می‌دهند.

تولید

در شرایط فعالیت‌های سازنده یا کار با مزد، زنان و مردان معاش خود را از پسماند به دست می‌آورند. در بسیاری از کشورها، هم مرد و هم زن رفتگر، کارگر منزل و جمع‌کننده پسماند هستند. مثل سایر بخش‌های اقتصاد غیررسمی، زنان کمتری را می‌توان در تجارت یا صنعت بازیافت پیدا کرد، مگر اینکه کارگر باشند. آنها را در بخش‌های نظارتی یا پست‌های مدیریتی در شهرداری‌ها و شرکت‌های خصوصی جمع‌آوری پسماند پیدا نمی‌کنیم. به‌علاوه، شواهد نشان می‌دهند که در شرایط رقابت برای کاهش شغل‌های دائمی در جمع‌آوری پسماند، زنان به مردها می‌بازند.

جنسیت و کار با کودکان زباله‌جمع‌کن در بنگلور هندوستان

سازمان‌های مردم‌نهاد بسیاری در بنگلور با کودکان خیابانی کار می‌کنند که اکثریت بالایی از آنها زباله‌جمع‌کن هستند. این سازمان‌ها استراتژی همراهی با آنها را در پیش گرفته‌اند و خدماتی همچون پناهگاه شبانه برای کودکان و برنامه‌های آموزشی جایگزین را ارائه کرده‌اند که چندان موفقیت‌آمیز نبوده.

استراتژی‌های به‌کاررفته توسط خود زنان زباله‌جمع‌کن شامل کارکردن در خانواده‌ها یا گروه‌های خویشاوندی است. این برای تمام اعضای گروه محافظتی را به همراه می‌آورد. یکی از این سازمان‌های مردم‌نهاد هم چنین چیزی را درک کرده و پناهگاه‌های شبانه‌اش را به نفع کارکردن در شبکه‌های خانوادگی تعطیل کرده. (SEWA) انجمن زنان خوداشتغال که در سال ۱۹۷۲ ثبت شد، یک اتحادیه مرکزی کارگری است که کارگران زن فقیر و خوداشتغال را در اقتصاد غیررسمی سازمان‌دهی می‌کند. SEWA در احمدآباد هند با چشم‌انداز اشتغال کامل و اتکا به خود، عمدتا با کارگران زن

کارخانجات نساجی و فعالیت‌های مرتبط شروع به کار کرد و به‌زودی اعضای خود را افزایش داد تا مشاغل متنوع‌تری را در خود جای دهد. تا سال ۲۰۱۵، SEWA ۱.۸ میلیون کارگر زن را سازمان‌دهی کرده است. اعضا در تعاونی‌ها، گروه‌های تولیدکنندگان روستایی، سازمان‌های تأمین اجتماعی، گروه‌های پس‌انداز و اعتبار یا فدراسیون‌ها سازمان‌دهی می‌شوند. SEWA گجرات حدود یک میلیون عضو دارد که از این تعداد حدود ۶۰ هزار زن بازیافت‌کننده زباله و پاک‌کننده هستند که در احمدآباد سازمان‌دهی شده‌اند.

این بازیافت‌کننده‌ها و پاک‌کننده‌های زباله توسط SEWA سازمان‌دهی شده‌اند تا فعالیت‌هایی مانند جمع‌آوری درب به درب، جاروکردن خیابان‌ها و بازیافت کاغذ برای ساخت لوازم‌التحریر را انجام دهند تا با همکاری نزدیک با مقامات محلی و سایرین، بازیافت‌کنندگان سنتی زباله را به طور فراگیر با سیستم مدیریت زباله جامد مرتبط کنند. سازمان‌های دولتی در صورت نیاز از سال ۱۹۹۵، سه تعاونی زباله و بازیافت، درحال‌حاضر با هزارو ۴۰۰ عضو فعالیت می‌کنند. به‌عنوان مثال، تعاونی گیتانجلی با ۴۰۰ عضو، در ابتدا به جمع‌آوری و تفکیک زباله خانه به خانه مشغول بودند. این منجر به درآمد پایدار برای اعضای آن از سه هزار تا سه‌هزارو ۵۰۰ INR137 در ماه برای پنج ساعت کار در روز شد. نیاز فوری برای این بازیافت زباله‌ها معیشت بود. در سال ۲۰۱۳، تعاونی گیتانجلی با حمایت SEWA به تولید لوازم‌التحریر روی آورد. ازجمله محصولات این تعاونی می‌توان به طیف گسترده‌ای از محصولات کاغذی مانند جلدهای طراح، دفترچه یادداشت، خودکارهای کاغذی، فایل‌های فنری و... که از ضایعات یا مواد بازیافتی براساس تقاضای بازار تهیه شده و به برندهای بین‌المللی مانند استیپلز، سیسکو، گیفتلینک و... اشاره کرد. Mindtree و بسیاری دیگر. دفترچه یادداشت و فایل‌های فنری ساخته‌شده توسط اعضا نیز به شرکت‌هایی در ایالات متحده و بریتانیا عرضه می‌شود. گنجاندن دغدغه‌های جنسیتی در مدیریت پسماند باید نه‌تنها به‌عنوان ابزاری برای بهبود شرایط و توانمندسازی زنان در کشورهای در حال توسعه، بلکه به ابزاری برای دستیابی به برابری جنسیتی به‌عنوان یک جنبه جدایی‌ناپذیر از توسعه کلی تلقی شود. موضوع رابطه بین جنسیت و توسعه، همان‌طور که توسط ون ویک سیجبسما (۱۹۹۸) پیشنهاد شده، ممکن است به‌عنوان نقطه شروعی برای فعالیت‌های نظری، ایدئولوژیک و سیاسی در حوزه برابری جنسیتی و نیز پیش‌نیاز توسعه در نظر گرفته شود. این دیدگاه تا حدی مبتنی بر شواهد گسترده‌ای است که نشان می‌دهد جنسیت در تعامل بین مردم و محیط و تمام استفاده از محیط نفوذ می‌کند. رابطه بین انسان و محیط زیست براساس نقش‌های جنسیتی، مسئولیت‌ها، انتظارها، هنجارها و تقسیم کار شکل می‌گیرد که تفاوت‌ها در نگرش به طبیعت و منابع طبیعی از آن ناشی می‌شود.

برای مثال، همان‌طور که ون ویک سیجبسما (۱۹۹۸) بیان می‌کند، زنان بیشتر از مردان به بازیافت، خرید مواد غذایی ارگانیک و نگرانی در مورد بهره‌وری انرژی تمایل دارند. همچنین بر اساس هدف گنجاندن دیدگاه جنسیتی در برنامه‌های توسعه‌ای به گونه‌ای که در ترویج برابری بین زنان و مردان در جامعه، مردم -اعم از زنان و مردان- توانمند شوند تا در توسعه خود مشارکت کنند. بیشت (۲۰۰۵) نتیجه می‌گیرد که این لزوما شامل بهبود کارایی، کاهش فقر، توسعه اجتماعی و پایداری محیطی می‌شود.

زباله لزوما یک مفهوم خنثای جنسیتی نیست

با توجه به مسئولیت اصلی زنان در خانه (مانند پخت‌وپز، نظافت، لباسشویی و بهداشت خانواده) در بسیاری از جوامع، زنان و مردان ممکن است تصورات و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به اینکه چه چیزی زباله است و چه چیزی نیست، داشته باشند. برای مثال، چیزی که برای مردان مانند خاک به نظر می‌رسد، می‌تواند برای زنان کمپوست یا کود باشد. هنگام راه‌اندازی یک پروژه مدیریت پسماند، ممکن است لازم باشد یک طبقه‌بندی معتبر محلی از آن ایجاد شود؛ ضایعات، با در نظر گرفتن دیدگاه متفاوت زنان و مردان در مورد اینکه چه موادی زباله تلقی می‌شوند و چه دسته‌هایی از زباله‌ها در گفتمان و عمل محلی مورد استفاده قرار می‌گیرند. زنان ممکن است نیازها و ترجیحات متفاوتی در مورد خدمات مدیریت پسماند داشته باشند. با توجه به مسئولیت‌ها، منابع و موانع مختلف، زنان و مردان اغلب نیازها و ترجیحات متفاوتی دارند. برای مثال، درحالی‌که مردان ممکن است یک سیستم نقطه جمع‌آوری مرکزی را ترجیح دهند، زنان به‌عنوان کاربران اصلی خدمات مدیریت زباله به دلیل مسئولیت مدیریت زباله‌های خانگی، ممکن است جمع‌آوری خانه به در را ترجیح دهند؛ زیرا با محدودیت‌های زمانی مواجه هستند. به نقش‌های چندگانه خود و همچنین به‌عنوان زنان در فرهنگ‌های خاص محدودیت‌های حرکتی دارند. به منظور به حداکثر رساندن کیفیت و کارایی خدمات مدیریت پسماند، شناخت نیازها و چالش‌های زنان حائز اهمیت است. مسئولیت جنسیتی زنان برای نظافت جامعه اغلب جبران نشده است و هنگامی که به این فعالیت‌های داوطلبانه پرداخته می‌شود، زنان اغلب کنار گذاشته می‌شوند. در غیاب خدمات مدیریت پسماند کافی، در بسیاری از جوامع زنان اغلب در پاکسازی داوطلبانه جامعه، جاروکردن خیابان‌ها و حتی جمع‌آوری اولیه زباله‌ها مشارکت دارند. با این حال، زمانی که این فعالیت‌های داوطلبانه مشروعیت می‌یابند و دستمزد می‌گیرند، اکثرا مردان هستند که برای کار دستمزدی انتخاب می‌شوند. مردان نیز بیشتر احتمال دارد که صاحب کسب‌وکار زباله یا بازیافت شوند؛ زیرا زنان نسبت به مردان با محدودیت‌های بیشتری برای دسترسی به اعتبار روبه‌رو هستند. پیامدهای این امر شامل نیاز زنان به بودن است. هنگامی که طرح‌های بهبود برنامه‌ریزی می‌شوند، به گونه‌ای که بینش و وضعیت آنها از طریق حفظ عمدی دسترسی زنان به فعالیت‌های نظافتی یا افزایش دسترسی زنان به اعتبار محافظت شود، مشورت می‌شود.

- رسمی‌کردن فعالیت در مراکز دفع زباله همچنین می‌تواند زنان را مجبور به خروج کند. زنان شاغل در بخش غیررسمی نیز احتمالا در صورت رسمی‌شدن فعالیت‌های غیررسمی به حاشیه رانده می‌شوند. در بخش غیررسمی، مردان معمولا مواد زاید با ارزش بالاتر برای بازیافت را کنترل می‌کنند. همچنین دیده می‌شود که مردان عمدتا زباله‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و مواد جداشده را می‌فروشند، درحالی‌که زنان زباله‌های جمع‌آوری‌شده را در خانه جدا می‌کنند و مسئول دفع زباله هستند.

چنین تقسیم کاری، کار زنان را نامرئی یا کم‌ارزش می‌کند و در نتیجه به عدم به رسمیت شناختن کمک‌های اقتصادی توسط زنان و گنجاندن آن در سیاست‌های عمومی منجر می‌شود. در نتیجه، زمانی که فعالیت‌های جمع‌آوری زباله مشروعیت می‌یابد، زنان از فرصت‌های مشابه مردان محروم می‌شوند یا از فرصت‌های مشابه برخوردار نیستند. تجزیه و تحلیل تهدید بالقوه برای گروه‌های زنان و بحث در مورد اقدامات ویژه برای حفاظت از منافع زنان و حفاظت از دسترسی و کنترل آنها بر منابع مهم است. درحالی‌که انتخاب فناوری اغلب از نظر جنسیت خنثی در نظر گرفته می‌شود، پرسیدن برخی از سؤالات جنسیتی مرتبط است. برای مثال، در مورد فناوری ماشین‌آلات جمع‌آوری زباله و بازیافت؛ این موارد عبارت‌اند از: آیا شرکت‌های تحت مالکیت زنان می‌توانند حجم کار بالایی برای پرداخت هزینه سرمایه‌گذاری بالاتر برای معرفی فناوری جدید تولید کنند؟ آیا زنان به آموزش‌های لازم دسترسی برابر دارند؟ آیا زنان می‌توانند با معرفی فناوری و خدمات جدید به فعالیت‌های درآمدزا مانند تفکیک زباله‌ها ادامه دهند؟ برای اطمینان از اینکه راه‌حل‌های فناوری منجر به تقویت یا حتی افزایش آسیب‌های اقتصادی اجتماعی زنان نمی‌شود، باید به جنبه‌های جنسیتی توجه شود.

سلامت زنان زباله‌گرد

زنان به طرق مختلف در معرض خطرات خاص سلامتی قرار دارند. برای مثال، از آنجایی که زنان اغلب مراقب خانه هستند و مسئول مدیریت زباله‌های خانگی‌اند، بیشتر از مردان در معرض فضولات انسانی یا سایر مواد زاید خام هستند، در نتیجه بیشتر به بیماری‌هایی مانند هپاتیت، اسهال و عفونت‌های چشم و پوست مبتلا می‌شوند. در بسیاری از مناطق استخراج طلا در مقیاس کوچک، زنان به خطرناک‌ترین مشاغل در یک محیط سمی مشغول هستند؛ زیرا این مشاغل به قدرت بدنی نیاز ندارند. اینها شامل مخلوط‌کردن جیوه در پنینگ و سوزاندن آمالگام (جیوه ترکیب‌شده با سنگ معدنی حاوی طلا) که بچه‌ها یا نوزادان آنها اغلب در نزدیکی است. هنگامی که زنان به طور مداوم در معرض مواد شیمیایی تجمع‌یافته قرار می‌گیرند، مدت‌ها پس از قرارگرفتن در معرض مواد شیمیایی در بدن باقی می‌مانند و می‌توانند از مادر به نوزاد منتقل شوند.

توانمندسازی و برابری

شناخت جنسیت و سایر روابط اجتماعی می‌تواند بررسی اهداف اجتماعی را در کنار ارائه خدمات بهبودیافته امکان‌پذیر کند. برای مثال، اگر زنان به شکل عرفی در سازمان‌های اجتماعی یا فعالیت‌های جمعی خارج از خانه درگیر نشوند، ترغیب مشارکت‌شان در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با تلاش‌ها برای خدمات بهبودیافته جمع‌آوری پسماند می‌تواند به اهداف توانمندسازی و همچنین هدف ارائه خدمات مؤثر خدمت کند.

همه موارد ذکرشده نشان‌دهنده اهمیت طراحی سیستم‌های زباله جامد مناسب است که برای همه بخش‌های جمعیت، به‌ویژه آنهایی که از لحاظ تاریخی محروم بودند، عادلانه و مقرون‌به‌صرفه باشد. اهداف بر اساس اهداف جهانی در حوزه برابری جنسیتی مانند توزیع برابر قدرت، تأثیر و منابع بین زنان و مردان تعریف شده است. در نهایت، ممکن است فرض شود رویکرد حساس جنسیتی در مدیریت پسماند، تعهد آشکار به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در نوسازی سیستم مدیریت پسماند، در تمام ابتکارات جدید در خدمات شهری و حفاظت از محیط زیست و پایداری حیاتی است.